

رم چشم‌انداز را ترسیم می‌کند - شماره یک

یک برداشت شخصی

Jeff Pippenger

2024-06-28

و در آن زمان‌ها بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخوانند خاست؛ و نیز غارتگران قوم تو خود را بلند خوانند ساخت تا رؤیا را استوار سازند، اما فرو خواهند افتاد. دانیال ۱۱:۱۴.

واژه «آموزه» در زمینه مسیحیت نمایانگر حقایق مسلم کتاب مقدس است. سازمان‌های گوناگونی که خود را مسیحی می‌دانند، مجموعه‌های متفاوتی از آنچه آن را آموزه‌های کتاب مقدس تعریف می‌کنند، در اختیار دارند؛ اما حقیقت فقط یکی است. تمایز میان «حقیقت مطلق» و «کثرت‌گرایی» در این مقطع خارج از حیطه بررسی ماست.

پس پیلطس به او گفت: آیا تو پادشاهی؟ عیسی پاسخ داد: تو می‌گویی که من پادشاهم. برای این منظور زاده شدم و برای این سبب به جهان آمدم تا برای حقیقت شهادت دهم. هر که از حقیقت است، صدای مرا می‌شنود. پیلطس به او گفت: حقیقت چیست؟ و چون این را گفت، بار دیگر بیرون رفت و به یهودیان گفت: من هیچ تقصیری در او نمی‌یابم. یوحنا ۱۸:۳۷، ۳۸.

حقیقت، کلام خداست؛ آن صدای اوست و خود مسیح است.

ما باید خود بدانیم که مسیحیت را چه چیزی تشکیل می‌دهد، حقیقت چیست، ایمانی که پذیرفته‌ایم چیست، و قواعد کتاب مقدس کدام‌اند—قوانینی که از عالی‌ترین مرجع به ما داده شده‌اند. بسیاری کسانی که بی‌آنکه دلیلی داشته باشند تا ایمان‌شان را بر آن استوار کنند، و بی‌آنکه نسبت به حقیقت امر شواهد کافی داشته باشند، ایمان می‌آورند. اگر اندیشه‌ای عرضه شود که با عقاید از پیش شکل‌گرفته خودشان هماهنگ باشد، بی‌درنگ آن را می‌پذیرند. از علت به معلول استدلال نمی‌کنند، ایمان‌شان بنیاد اصیلی ندارد، و در زمان آزمون درخواست یافت که بر ماسه بنا کرده‌اند.

«کسی که به دانسته‌های ناقص کنونی خود از کتاب مقدس قانع و آسوده است و می‌پندارد این برای نجاتش کافی است، در فریبی مرگبار آسوده نشسته است. بسیاری هستند که به استدلال‌های کتاب مقدسی به‌طور کامل مجهز نیستند تا بتوانند خطا را تشخیص دهند و همه سنت‌ها و خرافاتی را که به‌عنوان حقیقت به مردم قالب شده است محکوم کنند. شیطان اندیشه‌های خود را در عبادت خدا وارد کرده است تا سادگی انجیل مسیح را فاسد سازد. شمار بسیاری که مدعی ایمان به «حقیقت حاضر» اند، نمی‌دانند ایمان یک‌بار به مقدسان سپرده شده چیست—«مسیح در شما، امید جلال». می‌پندارند از نشانه‌های قدیمی دفاع می‌کنند، اما ولرم و بی‌اعتنا هستند. نمی‌دانند چگونه فضیلت حقیقی محبت و ایمان را در تجربه خود بیافند و مالک آن باشند. آنان دانش‌پژوهان دقیق کتاب مقدس نیستند، بلکه کاهل و بی‌اعتنا هستند. هرگاه درباره آیات کتاب مقدس اختلاف نظر پدید می‌آید، آنان که هدفمند مطالعه نکرده‌اند و در اینکه چه باور دارند مصمم نیستند، از حقیقت روی‌گردان می‌شوند. باید بر همه ضرورت جست‌وجوی کوشایانه در حقیقت الهی را تأکید کنیم تا بدانند که واقعاً می‌دانند حقیقت چیست. برخی مدعی دانش بسیاریند و از وضعیت خود خرسند، در حالی که نه غیرت بیشتری برای کار دارند، نه محبت سوزان‌تری به خدا و به جان‌هایی که مسیح برایشان مرد، چنان‌که گویی هرگز خدا را نشناخته‌اند. آنان کتاب مقدس را نمی‌خوانند تا مغز و فربهی آن را نصیب جان خود کنند. احساس نمی‌کنند که این صدای خداست که با آنان سخن می‌گوید. اما اگر بخواهیم راه نجات را دریابیم، اگر بخواهیم پرتوهای خورشید عدالت را ببینیم، باید کتاب مقدس را هدفمند مطالعه کنیم؛ زیرا وعده‌ها و

نبوت‌های کتاب مقدس پرتوهای روشن جلال را بر طرح الهی رستگاری می‌افشانند، و این حقایق عظیم به روشنی درک نشده‌اند.» مجموعه ۱۸۸۸، ۴۰۳.

ما ملزمیم بدانیم آن آموزه‌ها چه هستند و چگونه آن حقایق را بیان، اثبات و از آن‌ها دفاع کنیم.

اکنون به نظر ما ممکن نمی‌رسد که کسی ناگزیر باشد تنها بایستد؛ اما اگر خدا تاکنون به وسیله من سخن گفته باشد، زمانی خواهد آمد که به خاطر نام او ما را به پیشگاه شوراها و در برابر هزاران نفر خواهند آورد، و هر کس ناچار خواهد بود دلیل ایمان خود را بیان کند. آنگاه شدیدترین انتقادهای بر هر موضعی که به خاطر حقیقت اتخاذ شده است وارد خواهد آمد. پس لازم است کلام خدا را مطالعه کنیم تا بدانیم چرا به تعالیمی که از آن‌ها دفاع می‌کنیم ایمان داریم. ما باید نقادانه اقوال زنده یهوه را بجوییم. ریویو اند هرالد، ۱۸ دسامبر ۱۸۸۸.

برای اینکه در برابر «هزاران نفر» قرار گیرند، آشکار است که برخی از مدافعان حقیقت در واپسین روزها ناگزیر خواهند شد از طریق رسانه‌هایی مانند تلویزیون یا پخش‌های اینترنتی به دفاع از حقیقت بپردازند. در غیر این صورت، هزاران نفر چگونه می‌توانند شهادتی را که توسط صد و چهل و چهار هزار نفر داده می‌شود تماشا کنند؟ آموزه‌هایی که ما ترویج می‌کنیم مبنای ایمان ما را مشخص می‌کنند.

«اعضای کلیسا هر یک به‌طور جداگانه آزموده و آزمون‌پس‌داده خواهند شد. آنان در موقعیت‌هایی قرار خواهند گرفت که ناگزیر شوند برای حقیقت شهادت دهند. بسیاری فراخوانده خواهند شد تا در برابر شوراها و در محاکم قضایی سخن بگویند، شاید جداگانه و تنها. از کسب تجربه‌ای که می‌توانست در این وضعیت اضطراری به آنان کمک کند، غفلت ورزیده‌اند، و جان‌هایشان از پشیمانی بابت فرصت‌های از دست‌رفته و امتیازهای نادیده‌گرفته‌شده سنگین است.» شهادتات، جلد ۵، ۴۶۳.

کلام خدا هرگز باطل نمی‌شود، بنابراین اگر بناست در شمار آن صد و چهل و چهار هزار نفر قرار بگیریم، باید بدانیم بر اساس آنچه در کلام خدا نوشته شده، به چه چیز ایمان بیاوریم. پیش از آن‌که زمان آزمایش فرا برسد و قوم خدا ناگزیر شوند آموزه‌هایی را که بدان‌ها ایمان دارند توضیح دهند، خدا اجازه می‌دهد خطاها رخه کنند تا قوم خود را وادارد کلام او را به‌طور انتقادی مطالعه کنند.

این واقعیت که در میان قوم خدا هیچ جنجال یا التهابی نیست، نباید دلیل قاطعی شمرده شود بر اینکه آنان محکم به تعالیم صحیح چنگ زده‌اند. جای نگرانی هست که شاید میان حق و باطل به روشنی تمایز قائل نمی‌شوند. وقتی از پژوهش در کتاب مقدس پرسش‌های تازه‌ای برنمی‌خیزد، وقتی اختلاف‌نظری پدید نمی‌آید که مردم را برانگیزد تا شخصاً کتاب مقدس را بچوبند تا مطمئن شوند حقیقت را یافته‌اند، اکنون نیز، همچون روزگاران کهن، بسیاری خواهند بود که به سنت‌ها می‌چسبند و چیزی را پرستش می‌کنند که نمی‌دانند چیست.

به من نشان داده شده است که بسیاری از کسانی که ادعا می‌کنند شناختی از حقیقت حاضر دارند، نمی‌دانند به چه ایمان دارند. دلایل ایمان خود را درک نمی‌کنند. برای کار زمان حاضر ارزیابی درست و بجایی ندارند. وقتی زمان آزمایش فرا برسد، کسانی که اکنون برای دیگران موعظه می‌کنند، با بررسی مواضعی که دارند، خواهند یافت که برای بسیاری چیزها دلیل قانع‌کننده‌ای نمی‌توانند بیاورند. تا زمانی که چنین آزموده نشوند، از نادانی بزرگ خود آگاه نیستند. و بسیاری در کلیسا هستند که بدیهی می‌پندارند آنچه را که باور دارند می‌فهمند؛ اما تا هنگامی که مناقشه‌ای پدید نیاید، از ضعف خود آگاه نمی‌شوند. وقتی از هم‌کیشان خود جدا شوند و ناچار باشند تنها و به‌تنهایی برای باور خود دلیل بیاورند، شگفت‌زده خواهند شد که ببینند اندیشه‌هایشان درباره آنچه به‌عنوان حقیقت پذیرفته بودند تا چه اندازه آشفته است. بی‌تردید در

میان ما روی‌گردانی از خدای زنده و رو آوردن به انسان رخ داده است، و حکمتِ انسانی به جای حکمتِ الهی قرار گرفته است.

خدا قوم خود را برخواهد انگیخت؛ اگر راه‌های دیگر ناکام بمانند، بدعت‌ها در میانشان راه خواهد یافت تا ایشان را غریب کند و گاه را از گندم جدا سازد. خداوند همه کسانی را که به کلام او ایمان دارند فرامی‌خواند تا از خواب برخیزند. نوری گرانبها آمده است، درخور این زمان. این حقیقتِ کتاب مقدس است که خطراتی را که همین اکنون بر ماست نشان می‌دهد. این نور باید ما را به مطالعه‌ای کوشایانه در کتاب مقدس و سنجشی بس انتقادی از مواضعی که بر آن‌ها ایستاده‌ایم رهنمون شود. خدا می‌خواهد همه جوانب و مواضع حقیقت با دعا و روزه به‌طور کامل و پیگیرانه جست‌وجو شوند. مؤمنان نباید به حدس‌وگمان‌ها و اندیشه‌های ناروشن درباره اینکه حقیقت چیست بسنده کنند. ایمانشان باید محکم بر کلام خدا بنا شود تا هنگامی که زمان آزمایش فرا رسد و ایشان برای پاسخ‌گویی درباره ایمانشان به شوراها احضار شوند، بتوانند با فروتنی و ترس، دلیلی برای امیدی که در آنان است ارائه کنند.

برانگیزانید، برانگیزانید، برانگیزانید. موضوعاتی که به جهان عرضه می‌کنیم باید برای خود ما واقعیتی زنده باشند. مهم است که هنگام دفاع از تعالیمی که آنها را اصول بنیادی ایمان می‌دانیم، هرگز به خود اجازه ندهیم از استدلال‌هایی استفاده کنیم که کاملاً استوار نیستند. شاید این‌ها بتوانند مخالفی را ساکت کنند، اما به حقیقت احترام نمی‌گذارند. ما باید استدلال‌های محکم عرضه کنیم؛ استدلال‌هایی که نه تنها مخالفان را ساکت کند، بلکه تاب موشکافانه‌ترین و دقیق‌ترین بررسی‌ها را هم بیاورد. درباره کسانی که خود را به‌عنوان مناظره‌گر پرورده‌اند، خطر بزرگی هست که با کلام خدا منصفانه برخورد نکنند. در مواجهه با مخالف باید کوشش جدی ما این باشد که موضوعات را به‌گونه‌ای عرضه کنیم که او را قانع کند، نه اینکه صرفاً در پی اطمینان‌بخشی به مؤمن باشیم.

«هرقدر که انسان از نظر فکری پیشرفت کرده باشد، مبدا حتی لحظه‌ای بیندیشد که دیگر نیازی به کاوشی ژرف و پیوسته در کتاب مقدس برای رسیدن به نوری بیشتر نیست. ما، به‌عنوان یک قوم، هریک به‌طور فردی فراخوانده شده‌ایم که شاگردان نبوت باشیم. باید با جدیت مراقب باشیم تا هر پرتو نوری را که خدا به ما عرضه می‌دارد تشخیص دهیم. باید نخستین درخشش‌های حقیقت را دریابیم؛ و از رهگذر مطالعه آمیخته با دعا می‌توان به نوری روشن‌تر دست یافت که می‌توان آن را در برابر دیگران نهاد.» شهادت‌ها، جلد ۵، ۷۰۸.

«شاگردان نبوت» که در نهایت یکصد و چهل و چهار هزار نفر را تشکیل می‌دهند، پیشاپیش رویارویی‌شان با قدرت‌های زمینی‌ای که بحران نزدیک‌الوقوع «قانون یکشنبه» و آزار و جفا را پدید می‌آورند، به‌طور «فردی آزموده و ثابت» خواهند شد. وفاداران نخست توسط خدا «بیدار» خواهند شد. دوشیزگان خفته از خوابی که در زمان تأخیر در آن فرو افتاده‌اند «بیدار» خواهند شد. اگر با پیامی که خدا از طریق مقالاتی که از ژوئیه ۲۰۲۳ به این سو منتشر شده‌اند ارائه کرده بیدار نشوند، آنگاه خدا اجازه خواهد داد «بدعت‌ها» «در میانشان داخل شوند» تا جدایی گندم از زوان را از طریق فرایند غریب‌ال‌بهره پایان برسانند. ما اکنون در همان فرایند غریب‌ال‌بهره هستیم.

برای کسانی که مناقشه بر سر شناسایی درست روم مدرن را دنبال کرده‌اند، سه گزینه وجود دارد. یک گزینه این است که ایالات متحده روم مدرن است، دیگری این است که قدرت پاپی روم مدرن است، و گزینه سوم این است که هر دو دیدگاه پیشین نادرست‌اند و قدرت دیگری توسط غارتگران قوم دانیال نمایندگی می‌شود؛ همان‌هایی که خود را برمی‌کشند، سقوط می‌کنند و رؤیا را در آیه چهاردهم باب یازدهم کتاب دانیال استوار می‌سازند.

من بر این باورم که اختلاف نظر درباره اینکه آیا روم مدرن قدرت پاپی است یا ایالات متحده، اجازه یافته تا در این جنبش مطرح شود تا قوم او را به مطالعه کلام نبوی اش وادارد. خدا این مناقشه را به عنوان جلوه‌ای از رحمت خود پدید آورده است. من بر این باورم که این اختلاف بیش از آنکه صرفاً برای تعیین اینکه درباره روم مدرن چه کسی بر حق است و چه کسی بر خطاست باشد، برای آماده کردن قوم او برای بحران پیش‌روست. این اختلاف با اذن و تدبیر خدا اجازه وقوع یافت تا برای هر که بخواهد ببیند آشکار کند که دریافت شخصی او از کلام نبوی خدا ناقص یا نادرست است. از این رو، این مناقشه دلیلی بر رحمت خداست.

این مناقشه نه تنها به تعیین اینکه آن قدرتی که «غارگران قوم تو» نمایندگی می‌کنند کدام است مربوط می‌شود، بلکه همچنین به این که آیا روش «خط بر خط» که هر دو سوی مناقشه مدعی پایبندی به آن‌اند، به درستی به کار بسته می‌شود یا نه. قواعد نبوتی مرتبط با روش «خط بر خط» شامل اصول نبوتی ویژه‌ای است که بخشی از فرایند غربال‌گندم و زوان خواهد بود. سه مؤلفه از روش «خط بر خط» که من بر این باورم در این مناقشه کنونی بدفهمی شده‌اند عبارت‌اند از: مسیح به عنوان حقیقت، مسیح به عنوان آلفا و امگا، و کاربرد سه‌گانه نبوت.

در نهایت، کسانی که به درکی نادرست از آیه چهاردهم باب یازدهم کتاب دانیال پایبندند، آشکار خواهد شد که موضع اعتقادی خود را بر تفسیری شخصی بنا نهاده‌اند.

و ما نیز کلام نبوتی استوارتر داریم؛ نیکوست اگر بدان توجه نمایید، چنان‌که به چراغی که در جای تاریک می‌تابد، تا روز بدمد و ستاره صبح در دل‌های شما طلوع کند. نخست این را بدانید که هیچ نبوتی از کتاب مقدس، حاصل تفسیر شخصی نیست. زیرا نبوت در زمان قدیم از اراده انسان پدید نیامد، بلکه مردان مقدس خدا، چون از روح القدس برانگیخته می‌شدند، سخن گفتند. دوم پطرس ۲:۱۹-۲۱.

در مناقشه بر سر آیه چهاردهم، نمونه‌ای از آنچه من آن را «تعبیر شخصی» می‌دانم در The Great Controversy یافت می‌شود.

«از آن‌جا که سبب به نقطه ویژه مناقشه در سراسر عالم مسیحیت بدل شده و مقامات مذهبی و غیرمذهبی برای تحمیل رعایت یکشنبه متحد شده‌اند، امتناع سرسختانه اقلیتی کوچک از تمکین به خواست عمومی آنان را آماج نفرت همگانی خواهد کرد. استدلال خواهد شد که آن اندک کسانی که در برابر نهادی از کلیسا و قانونی از دولت ایستاده‌اند، نباید تحمل شوند؛ که بهتر است آنان رنج بکشند تا این‌که تمام ملت‌ها به آشفتگی و بی‌قانونی کشیده شوند. همین استدلال سده‌ها پیش از سوی 'حاکمان قوم' بر ضد مسیح مطرح شد. 'برای ما مصلحت است،' قیافای حيله‌گر گفت، 'که یک نفر برای قوم بمیرد و تمام ملت نابود نشود.' یوحنا ۱۱:۵۰. این استدلال قاطع و قانع‌کننده جلوه خواهد کرد؛ و سرانجام فرمانی علیه کسانی صادر خواهد شد که سبب فرمان چهارم را تقدیس می‌کنند، آنان را سزاوار سخت‌ترین کیفر می‌خواند و به مردم اجازه می‌دهد که پس از مدتی معین ایشان را به قتل برسانند. کاتولیک‌گرایی در دنیای قدیم و پروتستان‌یسم مرتد در دنیای جدید نسبت به کسانی که همه فرامین الهی را گرامی می‌دارند، مسیر مشابهی را دنبال خواهند کرد.» مناقشه عظیم، ۶۱۵.

«جهان مسیحیت» نمایانگر جامعه جهانی مسیحیان یا مجموعه کشورهای و فرهنگ‌های با اکثریت مسیحی است. این اصطلاح اغلب برای اشاره به بخش‌هایی از جهان به کار می‌رود که در آن‌ها مسیحیت دین غالب است و بر فرهنگ، قوانین و هنجارهای اجتماعی تأثیر چشمگیری گذاشته است. جهان مسیحیت گستره جهانی مسیحیت را از نظر شمار پیروان، تأثیر فرهنگی و اهمیت تاریخی آن دربر می‌گیرد. بدون حذف تکراری که در سیدی‌روم الن وایت وجود دارد، واژه «Christendom» صد

و هفتاد و شش بار به کار رفته است. از نظر جغرافیایی، خواهر وایت بیان می‌کند که جهان مسیحیت به‌طور کلی به اروپا و قاره‌های آمریکا اطلاق می‌شود. در چارچوب دیدگاه خواهر وایت، اروپا «دنیای قدیم» و قاره‌های آمریکا «دنیای جدید» شناخته می‌شوند.

اما آن وحش یا شاخ‌های بره‌گون دیده شد که «از زمین برمی‌آمد». به‌جای برانداختن قدرت‌های دیگر برای استقرار خود، ملتی که بدین‌سان نمایانده شده است باید در قلمرویی پیش‌تر اشغال‌نشده سر برآورد و به‌تدریج و مسالمت‌آمیز رشد کند. پس نمی‌توانست در میان ملت‌های پر ازدحام و در کشاکش دنیای قدیم—آن دریای پرتلاطم «قوم‌ها و جمعیت‌ها و ملت‌ها و زبان‌ها»—پدید آید. باید آن را در قاره غربی جست‌وجو کرد.

«کدام ملت دنیای جدید در سال ۱۷۹۸ در حال قدرت‌گیری بود، نوید نیرومندی و عظمت می‌داد و توجه جهان را به خود جلب می‌کرد؟ تطبیق این نماد محل هیچ‌گونه تردید نیست. تنها یک ملت، و فقط همان یک، با مشخصات این نبوت مطابقت دارد؛ بی‌هیچ ابهامی به ایالات متحده آمریکا اشاره دارد.» مناقشه عظیم، ۴۴۱.

آخرین جمله پاراگرافی که در حال بررسی آن هستیم به کار رفته تا القا کند که «رومانیزم در دنیای قدیم و پروتستانیسم مرتد در دنیای جدید» بدین معناست که «رومانیزم دنیای قدیم» به‌عنوان نظام پاپی در دوران قرون وسطای تاریک شناسایی می‌شود، و ایالات متحده (پروتستانیسم مرتد) به‌عنوان روم مدرن، که با عبارت «پروتستانیسم مرتد در دنیای جدید» نمایانده شده، تلقی می‌گردد. «قدیم» به‌عنوان تاریخ گذشته تعریف می‌شود و «جدید» به‌عنوان تاریخ مدرن یا معاصر. آن تطبیق، درک تثبیت‌شده خواهر وایت را از هر دو، جهان مسیحیت و دنیای قدیم و جدید، تحریف می‌کند.

کسانی که آن جمله را از منظر تاریخ گذشته و آینده تعبیر می‌کنند، در واقع «تعبیر شخصی» ای ارائه می‌کنند که مستقیماً با معنای مورد نظر خواهر وایت در تضاد است. ادعا این است که «جهان قدیم» نمایانگر تاریخ گذشته است و «جدید» نمایانگر تاریخ مدرن یا کنونی (جدید) است.

در این قطعه آمده است: «در پیش خواهند گرفت.» پاپی‌گری و پروتستانیسم مرتد «در قبال کسانی که به تمام احکام الهی پایبندند، مسیر مشابهی را در پیش خواهند گرفت.» در این قطعه، دنیای قدیم اروپا و دنیای جدید قاره‌های آمریکا است. خواهر وایت تعلیم می‌دهد که تمام جهان با آزمون قانون یکشنبه روبه‌رو خواهد شد و اینکه پاپی‌گری در آزارها در اروپا پیشگام خواهد بود و پروتستانیسم مرتد در آزارها در قاره‌های آمریکا پیشگام خواهد شد. قاره‌های آمریکا و اروپا همان چیزی‌اند که «جهان مسیحیت» نامیده می‌شود. هم پاپی‌گری و هم پروتستانیسم مرتد «در قبال کسانی که به تمام احکام الهی پایبندند، مسیر مشابهی را در پیش خواهند گرفت.»

"pursue" pursue کنشی در آینده از سوی هر دو قدرت را مشخص می‌کند، و از نظر دستوری ناممکن است چنین تلقی شود که رومانیزم دنیای قدیم همان قدرت پاپی اعصار تاریک است. آزار و اذیتی که توسط هر دو قدرت صورت می‌گیرد در زمان آینده است. تعریف عبارت "pursue" pursue این است: دنبال یا تعقیب کردن چیزی با قصد رسیدن یا به‌دست آوردن آن. این عبارت دلالت بر کنشی در آینده دارد که در آن فرد یا گروهی متعهد به جست‌وجوی فعالانه یک هدف یا مقصود است.

این عبارت می‌تواند در زمینه‌های مختلف به کار رود: «او یک مسیر شغلی در حوزه پزشکی را پی خواهد گرفت»، به این معنا که قصد دارد در جهت تبدیل شدن به یک متخصص در حوزه پزشکی تلاش کند. «او برای کسب مدرکی در رشته مهندسی اقدام خواهد کرد»، که نشان می‌دهد قصد دارد در یک مؤسسه آموزش عالی در رشته مهندسی تحصیل کند. «تیم پروژه را تا تکمیل آن دنبال خواهد کرد»، که حاکی از آن است که تیم تا زمان پایان یافتن پروژه به کار روی آن ادامه خواهد داد. «آنها اقدام حقوقی علیه شرکت را دنبال خواهند کرد»، یعنی قصد دارند برای رسیدگی به یک شکایت یا

احقاق حق، اقدامات قانونی انجام دهند. در مجموع، «pursue» pursue بیانگر عزم، تعهد و قصدی روشن برای دستیابی به هدف یا نتیجه‌ای مشخص در آینده است.

تفسیر شخصی‌ای که برای تعلیم این‌که پاپی‌گری دنیای قدیم به تاریخ پیوسته است به کار گرفته می‌شود، پس از آن به‌عنوان تکیه‌گاهی برای حمایت از به‌کارگیری نادرست کاربرد سه‌گانه نبوت استفاده می‌شود. استدلال می‌شود که کاربرد سه‌گانه روم نمایانگر روم بت‌پرست است، سپس روم پاپی و آنگاه ایالات متحده به‌عنوان سومین آن سه روم. اندکی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز کاربرد معیوب بسیار مشابهی به کار رفت، زمانی که گروهی بر سر کتاب یوئیل از جنبش جدا شدند.

سپس مناقشه در یک گردهمایی اردوگاهی در کانادا آغاز شد؛ جایی که کاربرد سه‌گانه سه وای در تفسیر کتاب یوئیل به کار گرفته شد تا تعلیم دهد که اسلام وای سوم همان امتی بود که در آیه ششم فصل نخست علیه آن سرزمین آمد. آن امت، روم پاپی است، اما تفسیری خصوصی مطرح شد که ادعا می‌کرد آن امت اسلام است. کاربرد سه‌گانه سه وای اسلام را به‌عنوان قدرت ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تثبیت کرده بود، و تفسیر خصوصی تازه اصرار می‌کرد که قدرت پاپی مذکور در فصل نخست یوئیل در واقع اسلام است. تفسیری خصوصی که شناسایی درست قدرت پاپی در کتاب یوئیل را رد می‌کرد، با کاربرد نادرست سه وای تقویت شد. اکنون تفسیری خصوصی در حال مطرح شدن است که قدرت پاپی را به سود ایالات متحده کنار می‌گذارد.

آنچه بوده است، همان است که خواهد بود؛ و آنچه انجام شده است، همان است که انجام خواهد شد؛ و زیر آفتاب هیچ چیز تازه‌ای نیست. آیا چیزی هست که بتوان گفت: اینک، این تازه است؟ آن از دیرباز، از روزگاری که پیش از ما بود، وجود داشته است. جامعه ۹:۱۰.

مناقشات روزهای آخر شامل تکرار مناقشات قدیمی نیز می‌شود، و فصل یازدهم دانیال مناقشه‌ای دارد درباره این‌که اوریا اسمیت تفسیر شخصی خود را بر نماد «پادشاه شمال» تحمیل کرد. او با این کار فهمی از فصل یازدهم دانیال ساخت که نتیجه‌ای جز تاریکی نداشت. در این روزهای آخر، مناقشات تکرارشونده به‌ویژه ثمره به‌کارگیری تفسیرهای شخصی بر حقیقت تثبیت‌شده را آشکار می‌کنند. این همان کاری است که اسمیت در کتابش «دانیال و مکاشفه» انجام داد. در جدال مربوط به کتاب یوئیل نیز چنین شد، و همین پویایی زمانی به کار گرفته می‌شود که با استناد به یک بند از «نبرد عظیم»، تعریف موجود در جهان و در نوشته‌های الن وایت درباره این‌که «جهان مسیحیت» نمایانگر چیست نادیده گرفته می‌شود، همراه با رد قواعد بنیادی دستور زبان که نشان می‌دهند عبارت «تعقیب خواهد کرد» به رویدادی در آینده دلالت دارد. از همان منظر، این تصور نادرست که «دنیای قدیم» همان تاریخ قدرت پاپی از سال ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ است، سپس برای استدلال علیه فهم تثبیت‌شده از تعریف کاربرد سه‌گانه نبوت به کار برده می‌شود.

هرآنچه خدا در تاریخ نبوت مقرر کرده بود که در گذشته تحقق یابد، تحقق یافته است؛ و هرآنچه هنوز باید به ترتیب خود بیاید، خواهد آمد. دانیال، پیامبر خدا، در جای خود ایستاده است. یوحنا در جای خود ایستاده است. در مکاشفه، شیر قبیله یهودا کتاب دانیال را برای مطالعه‌کنندگان نبوت گشوده است و بدین‌سان دانیال در جای خود ایستاده است. او شهادت خود را می‌دهد؛ همان که خداوند در رؤیا درباره رویدادهای بزرگ و خطیری که ما، در حالی که بر همین آستانه تحقق آن‌ها ایستاده‌ایم، باید بدانیم، بر او آشکار کرد.

در تاریخ و نبوت، کلام خدا کشمکش دیرپای میان حقیقت و خطا را به تصویر می‌کشد. آن نبرد هنوز در جریان است. آنچه بوده است، تکرار خواهد شد. مناقشات کهنه احیا خواهند شد و نظریه‌های تازه بیپای سر بر خواهند آورد. اما قوم خدا، که در ایمان خود و با تحقق نبوت در اعلام پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم نقشی ایفا کرده‌اند، می‌دانند کجا ایستاده‌اند. آنان تجربه‌ای دارند

که از طلای ناب گرانبها تر است. ایشان باید چون صخره استوار بایستند و آغاز اعتماد خود را با پایداری تا پایان نگاه دارند. پیام برگزیده، کتاب ۳، ۱۰۹.

به سادگی می‌توان نشان داد که خواهر وایت، «آغاز اعتمادشان» نزد پولس را حقایق بنیادین ادونتیسیم می‌داند. میلرایت‌ها تعلیم می‌دادند که «غارتگران قوم تو» قدرت پاپی است، و از ۱۹۸۹ به بعد، جنبش صد و چهل و چهار هزار بارها همان برداشت از آن نماد را که میلرایت‌ها داشتند، تأیید کرده است. اکنون یک «نظریه جدید» در این باره وجود دارد که «غارتگران قوم تو» چه کسانی هستند، و این نظریه مناقشه‌ای کهن را زنده کرده است، از آن جهت که با تعیین نادرست مصداق یک نماد نبوتی تثبیت شده، مدلی نبوتی می‌سازد که بر شن بنا شده است. چه تعبیر شخصی اسمیت باشد، چه کاربرد نادرست «ملت» در فصل نخست یوئیل، و چه شناسایی ایالات متحده به عنوان روم مدرن؛ هر سه این خطاها فهم درست از روم پاپی در روزهای آخر را هدف می‌گیرند و بدین سان نمادی را مورد حمله قرار می‌دهند که بینش نبوتی‌ای را برقرار می‌کند که تعیین می‌کند آیا قوم خدا هلاک می‌شوند یا زنده می‌مانند.

در آینده، کاتولیسیسم رومی در اروپا و پروتستانتیسم مرتد در قاره‌های آمریکا آزار و اذیت سبت‌نگهداران را «در پیش خواهند گرفت»، همان‌گونه که در سراسر تاریخ مقدس رخ داده است.

خدا قوم خود را برخواهد انگیخت؛ اگر راه‌های دیگر کارساز نیفتد، بدعت‌ها در میان ایشان راه خواهد یافت که آنان را غربال کنند و گاه را از گندم جدا سازند. خداوند همه کسانی را که به کلام او ایمان دارند فرامی‌خواند که از خواب برخیزند. نوری گران‌بها آمده است که متناسب با این زمان است. این حقیقت کتاب مقدسی است که خطرات نزدیک پیش روی ما را نشان می‌دهد. این نور باید ما را به مطالعه‌ای جدی و کوشایانه کتاب مقدس و بررسی بسیار انتقادی مواضعی که بدان‌ها پایبندیم رهنمون شود. خدا می‌خواهد همه جوانب و مواضع حقیقت با دعا و روزه، به‌طور کامل و پیگیرانه کاویده شوند. مؤمنان نباید به پندارها و اندیشه‌های ناروشن درباره اینکه حقیقت چیست بسنده کنند. کارگران انجیل، 299.

ما این اندیشه‌ها را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.